

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

گزارشگر فروش رعد

۰۳ اگست ۲۰۲۲

ابعاد و تبعات ترور رهبر "القاعده" توسط سازمان سیا در کابل

بامداد روز یکشنبه، ۹ اسد صدای انفجار مهیبی در محله اعیان نشین شیرپور کابل شنیده شد. این حمله توسط یک طیاره هدایت شونده بدون بی پیلوت امریکائی در ساعت ۶:۱۸ دقیقه صبح روز یکشنبه به وقت کابل صورت گرفت. طیاره به دو راکت هدایت دقیق "هل فایر" (آتش جهنم) مجهز بود و راکت ها را به سمت خانه ظواهری پرتاب کرده و رهبر القاعده را در بالکن خانه کشت. ادعا های تأیید نشده در بین مردم کابل و در میدیای اجتماعی به نقل از منابع "اوپراتیوی"، سر زبان ها است که افراد طالبان از قبیل پسر سراج الدین حقانی، دامادش و یکی از مسؤلان امور مالی طالبان به نام "ملا زنگی" نیز در همان محل کشته شده اند.

سایت های خبری به نقل از استخباراتی های رژیم قبلی ساقط شده غنی، گزارش داد که "پس از یورش پهباد های امریکائی به مقر رهبر القاعده در کابل، سراج الدین حقانی وزیر داخله طالبان به سرعت کابل را به همراه یک کاروان بزرگ نظامی ترک کرده و به جنوب این کشور در ولایت پکتیا رفته است.

متعاقب آن بازار شایعات و حدس و گمان گرم شد. اما دو روز بعد، سه شنبه در گرماگرم این شایعات رسانه ئی در باره احتمال کشته شدن ایمن الظواهری در افغانستان، به گزارش سایت خبری اسپوتنیک دری روسی، یک مقام ارشد امریکائی به خبرنگاران گفت که رهبر القاعده در یورش پهبادی امریکا، روز یکشنبه ۹ اسد در منطقه شیرپور شهر کابل کشته شد. منبع امریکائی در عین ادعای کشتن ظواهری، مدعی شده که "عملیات یافتن و کشتن او، نتیجه کار "صبورانه دقیق و مداوم" بخش ضد تروریسم و اطلاعات دولت امریکا بود".

سپس، جو بایدن رئیس جمهور امریکا طی صحبت با خبرنگاران در قصر سفید به طور رسمی مدعی شد که "ایمن الظواهری، رهبر گروه تروریستی القاعده را در افغانستان کشتیم. الظواهری باعث کشته شدن بسیاری از امریکائی ها در حملات مختلف شده بود".

همزمان، وزارت خارجه امریکا با انتشار بیانیه ای مدعی شد که "طالبان با پناه دادن به رهبر القاعده در کابل، توافق دوحه را به شدت نقض کردند" و "طالبان به مردم افغانستان و تمایل برای عادی سازی روابط با جامعه جهانی خیانت کرده اند". وزارت خارجه امریکا گفته که "با عملیاتی در شهر کابل که منجر به قتل رهبر القاعده شد، این کشور به تعهد خود عمل کرده است و در آینده نیز در مقابل هر گونه تهدید، به این کار دست خواهد زد".

به استثنای یک مورد تردید در ادعای امریکا مبنی بر کشتن رهبر سازمان تروریستی ساخته و پرداخته امپریالیسم امریکا، تا حال نه القاعده و نه طالبان یا منبع مستقل خبری حقیقت کشته شدن یا نشدن ایمن الظواهری را تأیید یا تردید نکرده اند.

ابو السیف المصری از اعضای القاعده، در توییتش، به هواداران این گروه در "سراسر جهان" اطمینان داده که "او اکنون با الظواهری ملاقات کرده و الظواهری سالم و سرحال است".

جسد مقتول نیز تا حال در معرض دید عموم یا افراد مستقلی قرار نگرفته است و ادعای امریکائی ها مبنی بر "انجام ندادن هیچ تلاشی برای گرفتن بقایای جسد ظواهری"، سؤال برانگیز است.

اگر ادعای امریکا مبنی بر کشتن رهبر سازمان تروریستی القاعده، صحت داشته باشد، آن طور که منابع اطلاعاتی امریکائی ادعا کردند، آن گونه عملیات دقیق و اجرائی شدن موفقانه آن، قبل از همه و به رغم توانائی های بالقوه فنی - نظامی دولت امریکا، مستلزم شناسائی، کشف و برنامه ریزی دقیق بوده است که بدون همکاری اطلاعاتی - کشفی، بیرونی از محل، میسر نبوده است.

در گرماگرم بازار شایعات در مورد این همکاری استخباراتی با مزدوران سازمان "سیا"، هر یکی از موارد احتمالی زیر در این قتل سازماندهی شده و نمونه بارزی از تروریسم دولتی دولت امپریالیستی امریکا، جلب توجه می کند:

۱. حدت یابی تضاد جناحی بین جناح پرو امریکائی درانی با جناح غلجائی پرو پاکستانی حقانی، که هرازگاهی سر زبان ها می افتد. در نتیجه کسب حدت این تضاد جناحی، جناح پرو امریکائی درانی پایبند به توافقنامه دوحه برای کسب امتیاز از امریکا و غرب و هموار ساختن جاده دشوارگذر به سوی کسب شناسائی توسط دولت ها، تضعیف و حاشیه نی ساختن جناح متشدد و متمایل به پاکستان و مخالف با خواسته های "جامعه جهانی" برای شناسائی.

۲. احتمال دیگر این است که به مصداق "آب تا گلو، بچه زیر پای"، به منظور خروج از بن بست جاری، هر دو جناح گروه طالبان به ویژه جناح فزونخواه حقانی به رهبری سراج الدین حقانی در مشوره و همسویی با ارتش و آی اس آی پاکستان در پی رفع موانع نزدیکی روابط با امریکا و شرکاء و بیرون شدن از انزوای عمومی و حذف سراج الدین از لیست سیاه دولت امریکا، با پیشکش کردن اطلاعات مهمان خود ایمن الظواهری به سازمان "سیا"، او را قربانی کرده باشند.

۳. احتمال سوم، این است که اطلاعات مربوط به محل سکونت رهبر القاعده در شیرپور شهر کابل به میزبانی طالبان را نهاد های اطلاعاتی دولت بحران زده پاکستان همراه با مساعدت اجرائی آن را در اختیار سازمان "سیا"ی دولت امریکا قرار داده باشند. این احتمال در شرایطی که دولت پاکستان در متن یک بحران فراگیر و فلج کننده مالی به سر می برد، روابط آن با امریکا و سازمان های تحت رهبری امریکا در سرد ترین حد است و درخواست بیش از یک میلیارد دالر قرصه دولتی آن توسط صندوق بین المللی پول رد شده است و نظامیان آن به شمول جنرال باجوه برای آزاد شدن آن تقلا و تكدی می کنند؛ دور از امکان نیست. از لحاظ منطقی هم چنین چیزی در سیاست ارتجاعی و استعماری وجود دارد و موارد متعددی بوده است که گروه های غیر خودی خودساخته قربانی منافع و مصلحت های ارتجاعی - استعماری شده اند.

۴. احتمال چهارم توانائی کشفی و اطلاعاتی جواسیس بومی (جواسیس افغانی ناشناخته سازمان سیا در محل و بقایای دو باره سازماندهی شده امنیت ملی منحل) و بیرونی سازمان "سیا" در مورد محل اقامت ایمن الظواهری، شناسائی و طرح حمله هوایی به طور مستقل از منابع طالبانی و پاکستانی، مطرح است.

۵. با توجه به عدم تأیید مستقلانه جوانب سوم از این ادعای دولت امریکا، این سناریو سازی دولت امریکا در آستانه انتخابات میان دوره ئی پیش رو و در ادامه شکایت و نارضایتی از بی عرضگی پیر خرفت "جو بایدن" رئیس جمهور و تیم حاکم کاری اش از حزب دموکرات امریکا، این ادعا از جانبی مصرف داخلی داشته و از جانب دیگر بنا به تقارن زمانی آن با افزایش تنشج در روابط امریکا با چین، برای انصراف افکار عامه از تنشج احتمالی سفر نانسی پلوسی به تایوان، عامدانه رسانه ئی شده و بدون آن که تحقق یافته باشد، جنبه تبلیغاتی داشته است.

تحت هر یکی از این سناریو های چهارگانه احتمالی، اگر کشته شدن رهبر القاعده ایمن الظواهری در کابل توسط سازمان "سیا"ی امریکا حقیقت داشته باشد، به معنای قرار گرفتن کلیت یا جناحی از گروه طالبان مزدور در عین نفرت و انزجار عمومی مردم ستمدیده افغانستان در قبال این گروه وحشی و سیاست های ضد انسانی اش؛ در سرآشوب رسوائی و تباهی است. آشکار شدن عدم پایداری به تعهد این گروه برای قطع رابطه با القاعده و سائر سازمان ها و گروه های تروریستی، خشم و انزجار دولت های منطقه و جهان را که طالبان چشم امید به شناسائی خود توسط آنان داشتند، را برانگیخته و بر روند ها و روابط سیاسی، دیپلماتیک و اقتصادی این دولت با خصلت مزدوری مضاعف تأثیر سوء نهاده و به تجدید نظر سیاست دولت ها و سازمان ها در قبال این گروه منجر خواهد شد. یکی از پیامد های ناگوار احتمالی این حادثه برای گروه طالبان یا جناح متشدد غلجائی آن، در ادامه سازماندهی عملیات مزید براندازنده توسط سازمان "سیا" و همکاران آن خواهد بود. تشدید مزید تضاد جناحی و حذف جناح تندرو حقانی و گرایش جناح بیشتر کمپرادوری و مماشات پذیر درانی در همسوئی نسبی همزمان با قدرت های استعماری - ارتجاعی محور های غرب و شرق، نیز از پیامد های ممکن این برخورد نظامی امپریالیسم امریکا در برابر گروه و "امارت اسلامی" "سرکش" و "ناکام" طالبان است.

شایان یاددہانی است که یورش هوائی طیاره های بدون سرنشین امپریالیسم امریکا به هدفی در قلب افغانستان با هر نیتی، بدون تلقی شدن ابراز حمایت از طالبان و دولت مزدور و ارتجاعی اش؛ نقض حریم هوائی و حاکمیت ملی نقض شده کشور ما معنی می دهد که بدون اگر و مگر تجاوز محسوب می شود.

از منظر منافع ملی و اجتماعی مردم تحت ستم و طالب زده افغانستان، تشدید تضاد های جناحی میان ارتجاع حاکم و خودفروخته طالبی و میان امپریالیسم امریکا، سائر امپریالیست ها و مزدوران خون آشام طالبان و مزدوران القاعده، به مفهوم تضعیف ارتجاع و رسوائی مزید امپریالیسم جنایتکار و متجاوز امریکا است. هر چند تضعیف ارتجاع حاکم طالبی و تشدید تضاد های ذات البینی دشمنان اساسی خلق، امر خوبی است، ولی در این نزاع ارتجاعی میان طالبان و امپریالیسم امریکا مردم افغانستان و گروه ها و ذوات ملی و مردمی آن از هیچ یکی از دو جانب ارتجاعی این نزاع دفاع و حمایت نمی کنند.

یورش اخیر هوائی طیاره های بدون سرنشین امپریالیسم امریکا به هدفی در قلب افغانستان، ابعاد و پیامد های زیادی بر روابط امریکا و طالبان و به طور کلی بر روابط طالبان با دولت ها و سازمان بیرونی به جا خواهد گذاشت که با گذشت ایام و وقوع رویداد های بعدی، مشخص و متباز می شوند.